

انواع فیلم

در بیش تر فروشگاه‌های ویدئویی، فیلم‌ها را بر اساس سرفصل‌های مختلف در قفسه‌ها می‌چینند - بر اساس نام ستاره‌ها، بر اساس دوره (سینمای صامت)، در مواردی بر اساس نام کارگردان (آلفرد هیچکاک، وودی آلن)، و بر اساس مکان تولید (فیلم‌های خارجی). برای درک عملکرد فیلم‌ها و تجربه‌ای که ایجاد می‌کنند، بایستی به طریقی به روش‌های گوناگونی که تماشاگران، فیلمسازان، منتقدان، و کارشناسان سینما فیلم‌ها را طبقه‌بندی می‌کنند پی ببریم.

یکی از متداول‌ترین روش‌های دسته‌بندی فیلم‌های داستانی، ژانر است، نظیر وسترن، موزیکال، فیلم‌های جنگی، علمی‌خیالی، و غیره. این اصطلاحات در نوشته‌ها و صحبت‌های روزانه مدام به کار می‌رود، اما به ندرت تأمل می‌کنیم ببینیم چه پیش‌فرض‌های مشترکی فیلم‌ها را درون این دسته‌ها قرار می‌دهد. در این جا قصدمان این است که مفهوم ژانر را بررسی کنیم و دریابیم که این دسته‌بندی چه طور بر سلیقه آدم‌ها در مورد فیلم‌هایی که می‌بینند تأثیر می‌گذارد. سپس به اجمال سه ژانر شناخته‌شده (وسترن، وحشت، و موزیکال) را نیز بررسی خواهیم کرد.

ژانرهای سینمایی

در فصل اول کتاب اشاره کردیم که وقتی برای تماشای یک فیلم به سالن سینما می‌روید، چه اتفاقی می‌افتد. اما چه چیزی باعث می‌شود که شما به سالنی خاص برای تماشای فیلمی خاص بروید؟ با رواج سالن‌های مولتی‌پلکس، تماشاگران هر هفته حق انتخاب‌های زیادی دارند.

گاهی به تماشای فیلمی می‌رویم چون از بازیگرانش خوش‌مان می‌آید، همین که ساندرا بولاک و تام کروز نقش اصلی را بازی می‌کنند کافی است که تماشاگر جذب فیلم شود، فیلم درباره‌ی هر چه می‌خواهد باشد. فیلم‌بازها ممکن است با توجه به نام کارگردان، فیلمی را برای تماشا انتخاب کنند («هر فیلمی که مارتین اسکورسیزی بسازد می‌بینم»)، و کارگردان‌هایی هستند، نظیر استیون اسپیلبرگ و جیمز کامرون، که آن‌قدر مشهور شده‌اند که توجه عموم را به فیلم خود جلب کنند. اما اغلب مردم فیلم‌ها را بر اساس نوع انتخاب می‌کنند. نوع فیلم را «ژانر» می‌نامند.

واژه ژانر اصلاً فرانسوی است و نوع و گونه معنی

می‌دهد و به واژه دیگری ربط دارد، genus، که در علم زیست‌شناسی برای طبقه‌بندی گروه‌های بزرگ گیاهان و جانوران کاربرد دارد؛ هر genus معمولاً شامل چندین گونه است.

دانشمندان می‌توانند گیاهان و جانوران را با اطمینان در دسته‌ای خاص قرار دهند، چرا که DNA هر موجود زنده طبقه آن موجود را مشخص می‌کند. تعریف ژانرهای سینمایی فاقد چنین دقتی است. در عوض، ژانرها اصطلاح‌های متداولی هستند که به شکلی غیررسمی گسترش یافته‌اند. فیلمسازان، تصمیم‌گیرندگان صنعت سینما، منتقدان، و تماشاگران همگی در شکل دادن مفهومی مشترک مشارکت دارند که تعیین می‌کند فیلم‌هایی خاص از خیلی نظرها به هم شبیه‌اند. همچنین در طی زمان، همچنان که فیلمسازها فرمول‌های قدیمی را دگرگون می‌کنند، ژانرها نیز تغییر می‌کنند. در نتیجه، تعیین مرزهای دقیق برای ژانرها می‌تواند کار دشواری باشد.

تشخیص دادن ژانر از تعریف کردن آن کار آسان‌تری است. وسترن، موزیکال، اکشن، [سینمای] وحشت، کمدی، فیلم عاشقانه - همه این‌ها ژانر هستند. سینمای عامه‌پسند اکثر کشورها بر فیلمسازی ژانر متکی است. آلمان ژانر Heimatfilm را دارد، قصه‌شهرهای کوچک. سینمای هندوستان فیلم‌های مذهبی، فیلم‌هایی متمرکز بر زندگی قدیس‌ها و شخصیت‌های مذهبی، و فیلم‌های اسطوره‌ای بر اساس افسانه‌ها و کتاب‌های کلاسیک ادبیات تولید می‌کند. فیلمسازان مکزیکی ژانر Cabaretera را گسترش داده‌اند که نوعی ملودرام متمرکز بر زندگی فاحشه‌هاست.

از آن‌جا که سینمای عامه‌پسند عموماً داستانی است، ژانرهای داستانی سریع‌تر به ذهن‌خطور می‌کنند. اما سینمای مستند نیز دارای ژانر است، نظیر فیلم‌های پروپاگاندا [تبلیغاتی] یا فیلم‌های صنعتی. فیلم‌های تجربی نیز ژانر دارند، نظیر فیلم‌هایی که بر اساس نماهای فیلم‌های دیگر ساخته می‌شوند، که ژانر متداولی است. و در بسیاری موارد طبقه‌بندی ژانرها در هم مخلوط می‌شود. انیمیشنی همچون دیو و دلبر موزیکال هم هست، یا کارتونی ژاپنی به نام آکیرا علمی‌خیالی است.

درک ژانر

تعریف ژانر

تماشاگران هر کشوری ژانرهای فرهنگ خودشان را

خوب می‌شناسند، همین‌طور فیلمسازان آن کشور. مسئله اصلی این است که اصلاً تعریف ژانر چیست. چه چیزی فیلم‌ها را در یک ژانر دسته‌بندی می‌کند؟

اغلب کارشناسان توافق دارند که هیچ ژانری را نمی‌شود به گونه‌ای مطلق تعریف کرد. برخی ژانرها بر اساس موضوع یا مضمون‌شان تعریف می‌شوند. فیلم‌های گنگستری روی زندگی تبهکاران عمده شهری متمرکزند. فیلم‌های علمی‌خیالی تکنولوژی‌هایی را به نمایش می‌گذارند و رای دانش امروز. وسترن معمولاً درباره‌ی زندگی سرحدنشینان است (نه لزوماً در غرب، همچنان که فیلم‌های شمال تا آلاسکا و تیل‌ها در امتداد موهاک نیز همین را خاطر نشان می‌کنند).

اما موضوع یا مضمون چندان در تعریف باقی ژانرها محوری نیست. موزیکال‌ها را صرفاً با نحوه اجرای‌شان می‌شود شناخت: آواز، رقص، یا هر دو. فیلم‌های کارآگاهی را تا حدی می‌توان با الگوهای پیرنگ‌شان تشخیص داد که روند حل یک معما را نشان می‌دهند. و برخی ژانرها با جلوه‌های عاطفی‌شان قابل تشخیص‌اند: سرگرم‌کنندگی در کمدی، تنش در فیلم‌های تعلیق‌دار. ظاهراً برای جمع‌بندی عواملی که ژانرها را به وجود می‌آورند، هیچ منطق مشخصی نمی‌توان یافت.

این مسئله از این نظر پیچیده است که ژانرها می‌توانند بسیار گسترده باشند. ژانرهای بزرگی وجود دارند که بسیاری فیلم‌ها را دربر می‌گیرند. مثلاً از اصطلاح تریلر در مورد خیلی فیلم‌ها استفاده می‌شود، اما این اصطلاح هم شامل فیلم‌های ژانر وحشت می‌شود، هم داستان‌های کارآگاهی، هم فیلم‌های گروه‌گانی نظیر جان سخت یا سرعت و بسیاری فیلم‌های دیگر. «کمدی» هم به همین ترتیب اصطلاح فراگیری است که شامل کمدی‌های اسلپ‌استیک نظیر دروغ‌گو دروغ‌گو، کمدی‌های رمانتیک نظیر Groundhog Day، هجویه‌هایی نظیر مجموعه «استین پاورز»، و کمدی‌های وقیحی نظیر مری به چیزیش هست می‌شود. در نتیجه منتقدان، تماشاگران، یا فیلمسازان می‌توانند برای توصیف دقیق‌تر فیلم‌ها، ژانرهای فرعی را ابداع کنند.

اما در مورد دقت اطلاق مفهوم ژانر محدودیت‌هایی هست. هر دسته‌ای، هم شامل نمونه‌های انکارنشدنی است و هم موارد مبهم. آواز در پاراوان مثال اصلی ژانر موزیکال است، اما داستان‌های حقیقی دیوید بیرن، با آن اجرای کنایی ترانه‌ها، موردی لب‌مرزی است.

فصلی از کتاب «هنر فیلم» چاپ هفتم

ژانرهای سینمایی

دیوید بوردول / کریستین تامپسن

و تلقی تماشاگران از نمونه‌های محوری نیز در طول تاریخ دستخوش تغییر می‌شود. مثلاً از دید تماشاگران معاصر، شاید فیلم خشنی چون سکوت بره‌ها مثال آشکار ژانر تریلر باشد، در حالی که برای تماشاگران دهه ۱۹۵۰ مثال آشکار می‌توانسته فیلم مؤذبانۀ شمال از شمال غربی هیچکاک باشد.

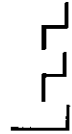
در موارد دیگر، فیلم‌ها ممکن است از دو ژانر سواری بگیرند. آیا **Groundhog Day** یک کمدی رمانتیک است یا یک فیلم فانتزی؟ آیا روانی یک **slasher film** است یا یک تریلر کارآگاهی؟ گزارش اقلیت علمی خیالی نیز هست و در عین حال به همان اندازه یک جست‌وجوی کارآگاهی است. نشانه‌ها ژانرهای وحشت، علمی خیالی، و ملودرام خانوادگی را با هم مخلوط می‌کند. (همچنان که خواهیم دید که آمیختن فرمول‌ها به این نحو از مهم‌ترین منابع ابداع و تغییر در ژانرهاست.) و، بعد این‌که، برخی فیلم‌ها چنان متمایزند که منتقدان و تماشاگران در نسبت دادن آن‌ها به یک ژانر دچار مشکل می‌شوند. هنگامی که جان مالکوویچ بودن در سال ۱۹۹۹ به نمایش درآمد، مصاحبه‌گران تلویزیونی با بازیگران و عوامل فیلم در مورد این‌که چه قدر توصیف فیلم دشوار است شوخی می‌کردند - اشاره‌شان در واقع این بود که نمی‌توانند آن را در ژانر خاصی قرار دهند.

دسته‌بندی ژانر چگونه به کار می‌آید؟ بی‌شک این دسته‌بندی یکی از خطوط راهنمایی است که دست‌اندرکاران صنعت سینما از آن برای تصمیم‌گیری در مورد این‌که چه نوع فیلمی بسازند، سود می‌جویند. تولید موزیکال‌های پرهزینه در دهه ۱۹۶۰ بسیار متداول بود، اما اکنون این نوع فیلم از مد افتاده، و کم‌تر کمپانی‌ای در پی ساخت این نوع فیلم است. از سوی دیگر، فیلم‌های وحشت و اکشن اکنون بسیار موردپسند است، و کارگزاران برای فیلم‌هایی که در این ژانرها قرار می‌گیرند احتمال چراغ سبزشان بیش‌تر است.

از دید سیستم مخاطب انبوه که در سینما وجود دارد، ژانرها صرفاً راهی هستند برای هویت‌بخشیدن به فیلم، در واقع، تماشاگران اغلب در گردآوری و متبلور کردن مفاهیم ژانرها نقشی محوری دارند. اگر به ریویوهای مورد توجه یا به تلویزیون‌هایی که مقوله‌سرگرمی را پوشش می‌دهند نگاهی بیندازید، متوجه خواهید شد که گزارشگر به کرات به مقوله ژانر فیلم‌ها ارجاع می‌دهند، زیرا می‌دانند که بیش‌تر مردم به آسانی ارجاع‌های آن‌ها

روانشناسی و مطالعات
رسانه‌ای و علوم انسانی

Film





یکی از متداول ترین روش های دسته بندی فیلم های داستانی، ژانر است. نظیر وسترن، موزیکال، فیلم های جنگی، علمی خیالی و غیره. این اصطلاحات در نوشته ها و صحبت های روزانه مدام به کار می رود، اما به ندرت تأمل می کنیم ببینیم چه پیش فرض های مشترکی فیلم ها را درون این دسته ها قرار می دهد.

را در خواهند یافت.

همچنین متوجه خواهید شد که برخی منتقدان مایلند ژانر را نادیده بگیرند چون آن را سطحی و پیش پا افتاده و صرفاً کلیشه ای می دانند؛ این صر فایک وسترن است، صر فایک فیلم وحشت است، شکی نیست که بسیاری از فیلم های ژانر سطحی اند و بدون خلاقیت ساخته شده اند. اما برخی از بزرگ ترین فیلم ها نیز در ژانر قرار دارند. آواز در باران یک موزیکال است، اما مسلماً از بهترین فیلم های آمریکایی است که تاکنون ساخته شده. فیلم بسیار با اهمیت توهم بزرگ یک فیلم جنگی است؛ روانی یک تریلر است. پدرخوانده یک فیلم گنگستری است. در کل، ژانر نوعی دسته بندی است که بهترین کاربردها را توصیف و تحلیل فیلم هاست، نه ارزش یابی آن ها.

برای تماشاگران، ژانر اغلب فراهم کننده راهی است برای پیدا کردن فیلمی که می خواهند ببینند. اگر یک گروه از آدم ها قرار می گذارند که شب بروند سینما، بحث شان را با این آغاز می کنند که بهتر است فیلم علمی خیالی ببینند یا تریلر یا فیلم عاشقانه و بعد به خود فیلم می پردازند. برخی سینما روها خود را طرفدار ژانری خاص در نظر می گیرند و ممکن است از طریق مجلات اطلاعات جمع آوری و ردوبدل کنند. سایت های اینترنتی، یا جلساتی خاص به آن ژانر اختصاص پیدا می کند. طرفداران فیلم های علمی خیالی یک نمونه از این گروه هاست، که در آن گروه های فرعی طرفدار جنگ ستارگان یا سفرهای ستاره ای نیز وجود دارد.

در همه سطوح روند فیلم سازی و تماشای فیلم، ژانرها این اطمینان را ایجاد می کنند که دست کم برخی از مفاهیم درباره بسیاری از فیلم هایی که برای جلب توجه ما با هم رقابت می کنند، میان اغلب اعضای جامعه مشترک است.

تحلیل یک ژانر

همچنان که دیدیم، ژانرها بر مبنای توافقی ضمنی میان فیلمسازان، منتقدان و تماشاگران بنا شده اند. آنچه به فیلمی خاص هویتی عمومی می بخشد قراردادهای ژانر است که از فیلمی به فیلم دیگر تکرار می شود. برخی عناصر پیرنگ می تواند قراردادی باشد. در فیلم های معمایی انتظار داریم که یک جست و جو وجود داشته باشد؛ در وسترن ها انتقام عنصری متداول است؛ موزیکال ها راهی را پیدا می کنند که زمینه برای موقعیت های رقص و آواز باشد. فیلم گنگستری معمولاً بر ظهور و سقوط گنگستر متمرکز است و او [گنگستر]

شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سرسخت و انعطاف ناپذیر و شخصیت هایی را که برای آزادی و لودگی معصومانه می جنگند به تصویر می کشند.

اما دیگر قراردادهای ژانر تکنیک های سینمایی خالص هستند. نورپردازی خفه در فیلم های وحشت و تریلر استاندارد به حساب می آید. فیلم های اکشن اغلب بر تدوین سریع و خشونت های اسلوموشنی متکی اند. در مولودرام، چرخش های عاطفی با حضور ناگهانی موسیقی غمناک همراه است.

سینما در مقام رسانه ای بصری ژانرها را با شمایل نگاری قراردادی تعریف می کند. نمادگرایی یک ژانر تشکیل می شود از تصویرهای سمبلیک تکرارشونده ای که مفاهیم را از فیلمی به فیلم دیگر می برند.

در مواجهه با پلیس و گروه های رقیب قرار دارد. انتظار این است که فیلم های زندگی نامه ای بخش های مهم زندگی شخصیت اصلی اش را تعقیب کنند. در یک تریلر پلیسی، برخی شخصیت ها قراردادی اند؛ خیرچین ناقلا، وردست باززه، رئیس ناشکیبا که از این که گروه کارآگاهان بتوانند کار را پیش ببرند ناامید شده.

دیگر قراردادهای ژانر مضمونی تر هستند، شامل مفاهیمی کلی که دوباره و دوباره مطرح می شوند. فیلم های رزمی هنگ کنگی عموماً درباره وفاداری و اطاعت از معلم اند. مضمون استاندارد فیلم گنگستری تاوان موفقیت است، قدرت گرفتن گنگستر به صورت پیش رفتن در سنگدلی و بی رحمی تصویر می شود. کمدی های Screwball به شکل سنتی تقابل میان جامعه ای



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سکانس موزون با موسیقی کلاسیک، و آن پایان به شکل رازآمیزی سمبلیک مربوط به رهاسدن جنین در فضا. فیلمسازان شاید بخواهند با برآورده نکردن انتظارهای تماشاگران از یک قرارداد خاص، تماشاگران شان را غافلگیر یا شوکه کنند.

تماشاگران انتظار دارند که فیلم ژانری چیزی آشنا را به آن‌ها ارائه کند، ولی در عین حال توقع دارند که واریاسیونی تازه از آن را ببینند. فیلمساز می‌تواند چیزی را با تفاوت اندک یا شدید بازسازی کند، اما همچنان فیلم بر سنت بنا شده. تعامل میان قرارداد و ابداع، آشنایی و بداعت، در فیلم ژانری نکته‌ای محوری به حساب می‌آید. ▶

ترجمه م. ا.

می‌کند. چنین نشانه‌هایی به یک فیلم ژانری اجازه می‌دهند که با سرعت و با ایجاز تمام با تماشاگرش ارتباط برقرار کند. وقتی کلاتر ضعیفی را می‌بینیم، انتظارمان این است که او نتواند از پس ششلول‌بند برآید. سپس توجه‌مان جلب می‌شود به گاوچران قهرمان که به تدریج پایش به ماجرا کشیده می‌شود تا کمک کند که مردم شهر از خودشان دفاع کنند.

فیلم می‌تواند به تناوب قراردادهای مربوط به ژانر را از نو به کار گیرد یا طرد کند. باگزی مالون یک موزیکال گنگستری‌ست که در آن تمام نقش‌های سنتی بزرگسالان را بچه‌ها ایفا می‌کنند؛ ادیسه فضایی ۲۰۰۱ بسیاری از قراردادهای ژانر را زیر پا می‌گذارد؛ سکانس طولانی آغازین فیلم که در دوران پیش از تاریخ می‌گذرد، آن

اشیا و مکان‌ها اغلب برای یک ژانر نقش شمایل‌نگارانه دارند. نمای درشت یک مسلسل که از یک اتومبیل فورد دهه ۱۹۲۰ بیرون آمده، شاید برای معرفی یک فیلم گنگستری کافی باشد، در حالی که تصویر یک شمشیر انحنادار بلند که از یک کیمونو آویزان است، ما را در دنیای سامورایی‌ها قرار می‌دهد. فیلم‌های جنگی در چشم‌اندازهای جبهه‌نبرد جلو می‌روند، موزیکال‌ها در تئاترها و کلوب‌های شبانه، فیلم‌های فضایی در سفینه‌ها و سیارات دور دست. حتی ستاره‌های سینما نیز می‌توانند به شمایل بدل شوند - جودی گارلند برای موزیکال، جان وین برای وسترن، آرنولد شوارتزنگر برای اکشن، بیل موری برای کمدی.

با دانستن قراردادهای تماشاگر راهی به درون فیلم پیدا